





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تحقیقات صورت گرفته در زمینه‌ی تاریخ‌گذاری^۱ رژیس بلاشر^۲ نشان می‌دهد که وی همانند سایر خاورشناسان در این زمینه به روایات ترتیب نزول توجهی نداشته و بر اساس شاخص‌های سبک‌شناسی نظیر شاخص مضامین به طبقه‌بندی و تعیین زمان نزول سور اقدام نموده است. به طور طبیعی این سؤال مهم جلب نظر می‌کند که بلاشر با چه دلیل و توجیهی از آن دسته از مضامین آیات و سور که با زمان خاصی ملازمه ندارد، در تاریخ‌گذاری بهره برده است و اصولاً اعتبار و کارایی علمی شاخص مضامین در تاریخ‌گذاری تا چه اندازه می‌باشد؟

پیشینه‌ی شاخص مضامین در تاریخ‌گذاری

در سبک‌شناسی مستقلاً چیزی به عنوان شاخص مضامین وجود ندارد که بتوان به کمک آن به تاریخ تألیف متن پی برد. بنابراین باید آن را در زیر مجموعه‌های شاخص‌های جامع‌تری جستجو نمود. یکی از ابعاد مطرح در سبک‌شناسی، توجه به بعد فکری نویسنده می‌باشد؛ از آن جایی که سطح فکری به بررسی موضوعاتی می‌پردازد که به نوعی در ارتباط با مختصات فکری نویسنده است؛ لذا می‌توان شاخص مضمون را نیز متعلق به آن دانست و از این نظر نویسندگان در لابه‌لای کتب سبک‌شناسی به آن اشاره نموده‌اند. (شمیسا، ۱۳۷۸ش، ص ۱۵۳ / بهار، ۱۳۲۱ش، مقدمه)

با مقایسه‌ی سبک‌های متعلق به ادوار مختلف می‌توان دریافت که تقریباً در هر دوره، مضامین خاصی رواج داشته است. به عنوان مثال نشر مرسل در قرون چهارم و پنجم در رابطه با ستایش علم، گوهر خردورزی و آزاداندیشی بوده است، در حالی که نشر فنی در قرن ششم بیشتر به موضوعات تخیلی نزدیک بوده است. (شمیسا، ۱۳۸۰ش، صص ۴۰-

1- Chronology

2- Regis Blachere

۳۹ و ۷۶) و یا اشعار سروده شده در قرن سوم بیشتر از نوع ادب تعلیمی‌اند، ولی در قرن ششم به مسائل کلامی و علوم مختلف اختصاص یافته‌اند. (شمیسا، ۱۳۷۹ش، ص ۲۳ و ۱۷۷)

اما تعیین دوره‌ی تاریخی نظم و نثر صرفاً با این شاخصه امکان‌پذیر نخواهد بود چرا که در سبک‌شناسی به مؤلفه‌های دیگری نظیر فراوانی لغات فارسی یا عربی، استشهاد به آیات و روایات، ساختار فعل، ضمائر، مترادفات و متضادات نیز توجه می‌شود. (همو، ۱۳۸۰ش، ص ۳۶ و ۴۹ و ۷۶) بنابراین بهره‌گیری از شاخص مضمون به تنهایی، در شناسایی تاریخ پیدایش نظم و نثر معقول به نظر نمی‌رسد خصوصاً آن‌که بدانیم در تاریخ‌گذاری، مؤلفه‌های مهم‌تری نظیر ترقیم‌ها^۱ وجود دارند، در صورتی که متن، فاقد ترقیمه و اشارات تاریخی باشد، آن‌گاه به سراغ سبک‌شناسی اثر می‌رویم. در این موارد نیز با دقت در مجموع شاخص‌های سبک‌شناسی و نه یک شاخص، می‌توان راجع به تاریخ پیدایش شعر و یا هر متن دیگر اظهار نظر نمود.

دانشمندان علوم قرآن، نظیر صبحی صالح (۱۳۷۲ش، ص ۱۶۴) و سایر نویسندگان کتاب‌های تاریخ قرآن نیز ذیل برشمردن ملاک‌های اجتهادی جهت تمییز سوره‌های مکی از مدنی، به صورت ضمنی از شاخص مضمون سخن گفته‌اند. (رامیار، ۱۳۶۹ش، ص ۶۰۶؛ معرفت، ش ۱۳۸۲، ص ۵۰ و ۵۱؛ رادمنش، ش ۱۳۷۴، ص ۱۷۱)

خاورشناسان، آنجا که طبقه‌بندی سوره‌های قرآن را در سه یا چهار طبقه یا بیشتر سامان داده‌اند، شاخصه‌های سبک‌شناسی نظیر مضمون آیات و سوره را مورد توجه قرار داده‌اند. (بلاشر، ۱۹۴۹م، ج ۲، ص ۶ / مونتگمری وات، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۱۶ / نولدکه، ۱۹۹۸م، ص ۵۱ / رودولف، ۱۹۰۹م، ص ۶۵-۲۰ و ۷)

از سایر کتاب‌های نوشته شده در این زمینه می‌توان به درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن (نکونام، ۱۳۸۰ش) و مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن (اسکندرلو، ۱۳۸۵ش) اشاره نمود که به صورت گذرا به شاخص‌های سبک‌شناختی خاورشناسان پرداخته‌اند، اگر چه تفصیل لازم را نداده‌اند.

۱- ترقیم در لغت به معنای کتابت کردن، آراستن و نقطه نهادن خط گفته می‌شود. (شاد، ۱۳۶۳ش، ص ۲: ذیل ترقیم) این واژه در اصطلاح نسخه‌نویسان و کاتبان به عبارات پایان نَسَخ اطلاق شده که در آن پس از دعا و صلوات، از زمان و مکان کتابت و نام کاتب یاد شده است. (مایل هروی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۸۷-۲۸۶؛ همو، ۱۳۷۲ش، ص ۵۹۵)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روشن است که با طبقه‌بندی مضامین سوره‌ها نمی‌توان به تاریخ‌گذاری پرداخت. البته تاریخ‌گذاری به کمک مضامینی که تاریخ وقوعشان مشخص است امکان‌پذیر می‌باشد. مثل شکست روم، هجرت به حبشه و مدینه، جنگ بدر و احد و حنین و نظایر آن‌ها که مضامینی تاریخ دارند اما سایر مضامینی که تاریخ وقوعشان مشخص نیست، قابل تاریخ‌گذاری نیستند.

بلاشر سوره قرآن را در چهار مرحله‌ی جدول شماره‌ی ۱ سامان می‌دهد.

جدول شماره ۱- سامان‌دهی سوره قرآن در چهار مرحله توسط بلاشر

دوره‌ی مدنی		دوران مکی							
دوره‌ی چهارم		دوره‌ی سوم		دوره‌ی دوم		دوره‌ی اول			
عنوان سوره	ردیف	عنوان سوره	ردیف	عنوان سوره	ردیف	عنوان سوره	ردیف	عنوان سوره	ردیف
بقره	۹۳	سجده	۷۱	ذاریات	۵۰	نبأ	۲۶	علق (۱-۵)	۱
بینه	۹۴	فصلت	۷۲	قمر	۵۱	قیامت	۲۷	مدثر (۱-۷)	۲
تغابن	۹۵	جاثیه	۷۳	قلم	۵۲	رحمن	۲۸	قریش	۳
جمعه	۹۶	اسراء	۷۴	صافات	۵۳	قدر	۲۹	ضحی	۴
انفال	۹۷	نحل	۷۵	نوح	۵۴	نجم	۳۰	شرح	۵
محمد	۹۸	روم	۷۶	دخان	۵۵	تکاتر	۳۱	عصر	۶
آل عمران	۹۹	هود	۷۷	ق	۵۶	علق (۶-۱۹)	۳۲	شمس	۷
صف	۱۰۰	ابراهیم	۷۸	طه	۵۷	معارج	۳۳	ماعون	۸
حدید	۱۰۱	یوسف	۷۹	شعراء	۵۸	مزل	۳۴	طارق	۹
نساء	۱۰۲	مومن	۸۰	حجر	۵۹	انسان	۳۵	تین	۱۰
طلاق	۱۰۳	قصص	۸۱	مریم	۶۰	مدثر (۸-۵۵)	۳۶	زلزله	۱۱
حشر	۱۰۴	زمر	۸۲	ص	۶۱	مطففین	۳۷	قارعه	۱۲
احزاب	۱۰۵	عنکبوت	۸۳	یس	۶۲	مسد	۳۸	عادیات	۱۳
منافقون	۱۰۶	لقمان	۸۴	زخرف	۶۳	کوثر	۳۹	لیل	۱۴
نور	۱۰۷	شوری	۸۵	جن	۶۴	همزه	۴۰	انفطار	۱۵
مجادله	۱۰۸	یونس	۸۶	ملک	۶۵	بلد	۴۱	اعلی	۱۶
حج	۱۰۹	سبأ	۸۷	مومنون	۶۶	فیل	۴۲	عبس	۱۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در نقد این سخن باید گفت که اولاً، این گفتار در صورتی صحیح خواهد بود که موضوع قیامت در سوره‌های قبل از معارج پیشینه‌ی کاربردی نداشته باشد، در حالی که با ملاحظه‌ی سوره قبل از معارج چه در مصحف عثمانی چه در ترتیب خود بلاشر و چه در ترتیب نزول مشهور سوری را می‌توان یافت که مضمونشان کم و بیش راجع به دنیای پس از مرگ است.

طبق مصحف عثمانی، محوریت اصلی در سوره‌های واقعه و الحاقه به رستاخیز اختصاص یافته، همچنین در سوره‌های دیگری نظیر حج، یس، ملک و ... از حوادث قیامت، دلایل و قطعی‌الوقوع بودن آن سخن به میان آمده است چنان که با بررسی سوره قبل از معارج در ترتیب بلاشر نیز این مسئله مشهود است؛ توصیف قیامت و حوادث هولناک آن موضوع اصلی در سوره‌هایی نظیر الزلزله، الإنفطار، التکویر و القيامة قرار گرفته است، علاوه بر آن در آیات دیگر نیز به صورت ضمنی به این مسئله اشاره شده که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.

و در نهایت با ملاحظه‌ی سوره قبل از المعارج در ترتیب نزول مشهور به ندرت می‌توان سوره‌ای را یافت که در آن اشاره‌ای به معاد و زنده شدن مردگان نشده باشد. بنابراین با بررسی مشخص می‌شود قیامت و رستاخیز موضوع تازه‌ای نیست که از سوره‌ی المعارج به بعد مطرح شده باشد.

جدول شماره ۲- سوره‌های با مضمون قیامت و رستاخیز قبل از معارج

طبق ترتیب	سوره‌های قبل از معارج که در آن‌ها از رستاخیز سخن رفته است
ترتیب عثمان طه	انعام، اعراف، یونس، هود، ابراهیم، نحل، کهف، مریم، طه، انبیاء، مومنون، فرقان، نمل، قصص، سبأ، فاطر، یس، واقعه، الحاقه، حج، یس، ملک
ترتیب بلاشر	طارق، زلزله، قارعه، عادیات، لیل، انفطار، عبس، تکویر، انشقاق، نازعات، غاشیه، طور، واقعه، حاقه، مرسلات، نبأ، قیامت، تکاثر
ترتیب نزول مشهور	اعراف، یس، فرقان، فاطر، مریم، طه، نمل، قصص، یونس، هود، انعام، سبأ، کهف، نحل، ابراهیم، انبیاء، مومنون، بقره، آل عمران، نساء، رعد، حج، توبه

ثانیاً، گفتار بلاشر در صورتی صحیح است که در سوره‌های پس از معارج به موضوع قیامت اشاره شده و به تدریج گسترش یافته باشد. در حالی که طبق ترتیب بلاشر از میان پانزده سوره‌ای که در مرحله‌ی اول پس از سوره‌ی المعارج



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نصرت و یاری خداوند	نصر	۱۱۰
--------------------	-----	-----

طبق ترتیب نزول مشهور^۱ نیز سوره‌ی الحجرات پس از سوره‌ی المعارج واقع شده و در آن هیچ اشاره‌ی صریحی به آخرت نشده؛ بلکه به موضوعات مهم اخلاقی پرداخته است.

سوره‌های المزل و البلد از سایر مستندات بلاشر در راستای شاخص مضامین هستند که محتوای قسمتی از آن‌ها نیز در ارتباط با رستاخیز است.

از نظر این خاورشناس علاوه بر رستاخیز، وحدانیت خدا موضوع دیگری است که محوریت سوره در این مرحله را به خود اختصاص داده است. وی در این باره چنین می‌گوید: «آغاز وحی مکی با شروع عبادت و شب زنده‌داری و دعا مقارن بوده است. شاید این امر به خاطر آن بوده است که مسلمانان نخستین، به گردآوری پنج سوره، مشتمل بر عبادات و ادعیه، احساس نیاز می‌کرده‌اند. پس از آن به سوره «حمد» نام فاتحه و سرآغاز داده شد؛ زیرا در اسلام با این سوره، فصل عبادت گشوده می‌شود.» (همان، ص ۶۷)

اولاً؛ دو نکته از این گفتار برمی‌آید:

اول؛ آغاز وحی مکی مقرون با شب زنده‌داری و عبادت بوده است.

دوم؛ مسلمانان نخستین به گردآوری پنج سوره که مشتمل بر عبادات و ادعیه بوده است، احساس نیاز می‌کرده‌اند. با توجه به این دو می‌توان نتیجه گرفت که آغاز وحی مکی با این پنج سوره بوده است. بنابراین به هنگام بررسی بایستی به پنج سوره‌ی نخست در جدول ترتیب نزول توجه داشت.

ثانیاً؛ مضمون این سوره بایستی عبادت‌گونه باشد.

ثالثاً؛ سوره‌ی الفاتحه به دلیل داشتن مضمون عبادت‌گونه، بایستی جزو این سوره یعنی ردیف‌های یک تا پنج باشد.

و اینک به صورت موردی به هر یک پاسخ داده می‌شود:

۱- بر طبق این ترتیب نزول از سوره‌ی علق (ردیف ۱) تا سوره‌ی مطففین (ردیف ۸۶) سوره مکی و از سوره‌ی البقره (ردیف ۸۷) تا سوره‌ی التوبه (ردیف ۱۱۴) سوره مدنی قرار گرفته‌اند؛ هم‌چنین سوره‌های الزلزله، الرعد، الرحمن و الإنسان علی‌رغم قرار گرفتن در میان سوره مدنی، مکی محسوب می‌شوند، به آن خاطر که مضمونشان بسیار شبیه به سوره مکی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گذشته از ایرادها با ملاحظه‌ی ترتیب بلاشر اشکالات دیگری نیز به ذهن‌خطور می‌کند که در زیر مجموعه‌ی شاخص مضامین قرار می‌گیرند. بر طبق ترتیب بلاشر سوره‌های العلق و المدثر هر کدام به دو فقره تقسیم شده‌اند، قسمت اول در ردیف‌های اول و دوم؛ قسمت دوم در ردیف‌های ۳۲ و ۳۶ قرار گرفته‌اند.

به نظر می‌رسد بلاشر از روایاتی که به نزول دو مرحله‌ای این سوره اشاره داشته‌اند، تأثیر پذیرفته است. در حالی که این روایات بایستی از نظر سند مورد بررسی قرار گیرند؛ چنان‌چه قطعی‌الصدور بودن آن‌ها از معصوم علیه‌السلام دال بر تجزیه‌ی سوره‌ای به مکّی یا مدنی یا بودن چند آیه از سوره مکّی با عنوان مدنی محرز شود، می‌توان به آن استناد جست. مضاف بر این که در تطبیق روایت بر قرآن پیوستگی آیات را نیز باید مد نظر قرار داد.

پنج آیه‌ی نخست سوره‌ی العلق به دو دلیل نمی‌تواند نزول مستقلی داشته باشد. (نکونام، ۱۳۸۲ش، ص ۷۵-۷۳) اولاً؛ در ۵ آیه‌ی نخست، کلمه‌ی إقرأ به کار رفته بدون این که ذکری از متعلق آن به میان آید. با توجه به آیاتی که در آن‌ها مراد از قرائت، نماز می‌باشد. (الإسراء، ۷۸ و نیز المزمّل، ۲۰)؛ در اینجا نیز یکی از احتمالات می‌تواند این باشد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به خواندن نماز فرمان داده شده است چنان که مضمون روایات شأن نزول نیز به نماز خواندن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن هم در شرایطی که ابوجهل به ایشان آزار و اذیت می‌رسانید اشاره دارند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۵۷ و ۲۰۹/ ابن‌حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۳) از طرف دیگر در آیه‌ی پایانی این سوره نیز از سجده که یکی از ارکان اصلی نماز است، سخن به میان آورده، این‌ها همگی قرائتی است که ثابت می‌کنند مراد از إقرأ که در آیات نخستین این سوره به کار رفته، دستور ادامه‌ی نماز به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد که آیه‌ی پایانی به آن اشاره می‌کند: «كَلَّا لَا تَطَعَهُ وَأَسْجُدْ وَأَقْتَرِبْ» یعنی: ای پیامبر بر نمازت مداومت کن و از نهی ابوجهل اطاعت مکن. بنابراین پیوستگی آیات ۱ تا ۵ با سایر آیات به روشنی مشهود است.

ثانیاً؛ راه دیگر اثبات پیوستگی میان آیات این سوره، لفظ کلاً در صدر آیه‌ی ششم می‌باشد. توضیح این که در زبان عربی کلاً حرف ردع و انکار می‌باشد که مستقلاً معنایی نداشته بلکه در جهت اثبات یا رد مطلب قبلی بیان می‌شود. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۱۳) بنابراین حرف کلا در آیه‌ی ششم مرتبط با آیات قبل یعنی ۵ آیه‌ی آغازین بوده و نزول جداگانه‌ای نداشته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

و اما درباره‌ی استدلال بلاشر مبنی بر اقتضای نقش پیامبری و سخن گفتن از مسائل مختلف، باید گفت که این پیامبر ﷺ نیست که تعیین می‌کند در آیات از چه مسئله یا مسائلی سخن گفته شود؛ به عبارت بهتر، پیامبر ﷺ تعیین‌کننده‌ی محتوای وحی‌ها نیست، بلکه وحی الهی بسته به مشیت اوست. بنابراین اگر مشیت الهی بر این تعلق گیرد که در راستای هدایت مردم از موضوعات مختلفی سخن گفته شود، بالتبع محتوای آیاتی که بر پیامبر ﷺ نازل می‌شود نیز متنوع خواهد بود.

با وجود این که سوره الرحمن از جمله مستندات بلاشر در تبیین مضمون سوره مرحله‌ی دوم می‌باشد، اما جالب توجه است که این سوره در ترتیب وی در دوره‌ی اول مکی با ردیف ۲۸ام قرار گرفته است. (همان، ص ۶۸) و سخن آخر این که شاید بلاشر خواسته بگوید که به صورت کلی سوره این مرحله از موضوعات مختلفی سخن گفته اند نه این که هر سوره مشتمل بر مضامین مختلف می‌باشد.

ج) بلاشر و مضامین سوره در مرحله‌ی سوم

از نظر بلاشر محتوای آیات در دوره‌ی سوم به آیات مدنی در دوره‌ی چهارم شباهت دارد؛ در حالی که آیات دوره‌ی دوم چنین شباهتی را ندارند. (همان، ص ۷۱) با در نظر گرفتن قرب زمانی این مرحله با مرحله‌ی چهارم طبیعی است که محتوای برخی از سوره نیز نزدیک به دوره‌ی مدنی باشد.

وجه تمایز دیگر از نظر بلاشر وجود آیات مبتنی بر شروع عبادات و انجام فرائض دینی است، اما نه با سخت‌گیری لازم در این مرحله (همان، ص ۷۷) اما چه دلیلی بر این ادعا وجود دارد؟ طبق نقلی که هست، پیامبر ﷺ و مسلمانان از همان آغاز دعوت نماز می‌خواندند و خدا را عبادت می‌کردند. به این ترتیب، تصور این که در اواخر دوره مکی عبادت تشریح شده است، نمی‌تواند صحیح باشد.

علاوه بر آن وی به موضوعات مشترک این مرحله با مراحل قبل نظیر ابدیت و قهاریت خداوند، لزوم پرهیزگاری، قصص انبیاء، مسأله‌ی قیامت و زندگی پس از مرگ نیز اشاراتی داشته است. (همان، ص ۷۵-۷۳)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کالسدون به دست ایرانیان فتح شد و به این طریق تمام متصرفات رومیان در آسیای صغیر و آفریقای شرقی به دست ایرانیان افتاد. (رازی، ۱۳۸۶ش، ص ۸۲ و ۸۳)

هم‌چنین گزارش شده که در اواخر سال ۶۲۷ میلادی در دشت نینوا باز هم میان این دو پادشاه نبردی درگرفت، در طی این جنگ رومیان خساراتی را به بهترین ایالات ایران وارد آوردند و فرار خسرو در مقابل دشمن لطمه‌ی سختی بر حیثیت این پادشاه ساسانی وارد آورد. (همان)

۴- مضامین سوره مدنی از نظر بلاشر

از نظر بلاشر موضوعات و مسائل روز، مسائل مربوط به جنگ‌ها و کشمکش‌های مسلحانه در این دوره غالباً سایر موضوعات را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. (۱۳۷۲ش، ص ۸۷)

از نظر وی در آیات مدنی حوادثی بازگو شده‌اند که زمان وقوع آن‌ها چندان جلوتر از نزول آیات نبوده‌اند. نظیر سوره‌ی النور که به محاصره‌ی مدینه توسط اهالی مکه مقارن پایان سال پنجم هجری (آغاز ۶۲۷ میلادی) اشاره دارد. (بلاشر، ۱۳۷۴ش، ص ۲۷۷ و ۲۷۸)

از آن جایی که در سوره‌ی النور از واقعه‌ی افک سخن گفته شده و از طرف دیگر میان سبب نزول آیه و نزول آن نمی‌تواند فاصله‌ی زیادی وجود داشته باشد، لذا با تعیین تاریخ وقوع افک می‌توان تاریخ نزول این سوره را تخمین زد. طبق کتب سیره‌ی پیامبر ﷺ، واقعه‌ی افک و به دنبال آن نزول سوره‌ی النور در سال هشتم هجرت گزارش شده در حالی که بلاشر آن را متعلق به سال پنجم هجرت دانسته است. (عاملی، ۱۴۲۸ق، ج ۱۳، ص ۱۶۷ و ۱۶۸)

با بررسی ترتیب بلاشر ملاحظه می‌گردد که در این سوره‌ها اغلب به مقررات متفرق نظیر خانواده، نکاح، طلاق که جنبه‌ی قانونگذاری دارد، پرداخته شده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت از نظر بلاشر مضامین سوره در مراحل چهار گانه‌ی وحی به صورت زیر می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مسائلی که در سوره مدنی مطرح شده بیهوده بود. به دلیل همین شباهت مضمون، سوره‌های الرعد، الزلزله، الرحمن و الإنسان علی‌رغم آن که در ترتیب روایی در میان سوره مدنی آمده‌اند، اما مکی محسوب می‌شوند. بنابراین به صورت کلی و با جنبه‌ی تغلیب می‌توان مضمون سوره مکی و مدنی را مشخص نمود. ولی این دلیلی بر انحصار موضوع در مرحله‌ی خاصی نمی‌شود. نتیجه این که صرف مشابهت مضامین دلیل قاطعی بر مکی یا مدنی بودن نیست و تا در خود سوره تصریح یا اشاره‌ی قوی به رویدادهای خاص مکی یا مدنی نباشد نمی‌توان به مکی یا مدنی بودن آن‌ها حکم کرد. (نکونام، ۱۳۸۰ش، ص ۱۴۲)

مقایسه‌ی شاخص مضامین از نظر بلاشر با سایر خاورشناسان

همان‌طور که قبلاً بیان شد علاوه بر بلاشر، تتودرنولدکه و رودول نیز پیرو نظام طبقه‌بندی چهار دوره‌ای وایل بوده‌اند. از جمله معیارها در ساماندهی این نظام، توجه به مضامین وحی و محتوای آیات مربوط به شرایط و وظایف گوناگون پیامبر ﷺ می‌باشد (مونتگمری وات، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۱۶) که در زیر ابتدا به بررسی این شاخص از دیدگاه وایل، نولدکه و رودول پرداخته و سپس نقد کلی به آن‌ها زده شده است.

گوستاو وایل؛ این خاورشناس آلمانی از مضمون سوره در مرحله‌ی اول سخنی به میان نمی‌آورد اما بر این نظر است که آیات در طبقه‌ی دوم راجع به صفات الهی هم چون رحمت، توصیف بهشت و دوزخ، چگونگی عقاب و عذاب و نشانه‌های خدا در طبیعت می‌باشند؛ در طبقه‌ی سوم داستان انبیاء و کیفی‌های اخروی با جزئیات بیشتری بازگو شده و در طبقه‌ی چهارم سیر حوادث پس از هجرت با پی‌گیری آیاتی که بیانگر قدرت و فرمان‌روایی فزاینده‌ی سیاسی و اجتماعی پیامبر ﷺ دنبال شده است. (همان، ص ۴۱۸)

با مقایسه‌ی میان ترتیب بلاشر و گوستاو وایل می‌توان گفت که وحدانیت و رستاخیز موضوع مطرح در مرحله‌ی اول ترتیب بلاشر است در حالی که وایل آن را شاخصه‌ی سوره مرحله‌ی دوم می‌داند. از آنجایی که بلاشر به قرابت مضامین سوره مرحله‌ی سوم با دوره‌ی مدنی اشاره نموده و راجع به موضوعات هر دوره به صورت مجزا و جامع سخن گفته، لذا معلوم می‌شود که وی به مضمون آیات در تاریخ‌گذاری توجه بیشتری داشته است.



همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد نولدکه نیز به تفصیل از موضوعات مطرح در هر مرحله سخن گفته که البته به غیر از مرحله‌ی دوم، نظراتش قابل تطبیق بر نظرات بلاشر است. بنابراین وی نیز عنایت ویژه‌ای به کاربرد مضمون در تاریخ‌گذاری داشته است.

رودول؛ در تاریخ‌گذاری بیشتر به لحن آیات توجه داشته (رودول، ۱۹۰۹م، ص ۷ و ۶۵-۲۰) و به صورت پراکنده به مضمون سوره در مراحل مختلف وحی اشاره می‌کند، لذا سند مشخص و مستقلی در این رابطه وجود ندارد که بتوان به کمک آن به نقد و بررسی نظرات وی پرداخت. اما با توجه به این که ترتیب رودول در مراحل دوم و سوم و چهارم دقیقاً و در مرحله‌ی اول با تفاوت در چینش همانند ترتیب نولدکه می‌باشد، پس طبیعی است که ویژگی‌های موضوعی این دو ترتیب نیز نزدیک به هم باشد. بنابراین همان نقدهایی که بر ترتیب نولدکه وارد است، بر ترتیب وی نیز وارد خواهد بود. به طور خلاصه می‌توان موضوعات شاخص در هر مرحله را از نظر این خاورشناسان در جدول شماره ۵ آورد.

جدول شماره ۵- مضامین سوره در مراحل چهار گانه وحی از دیدگاه خاورشناسان

مضامین سوره در مراحل چهار گانه وحی				نظام چهار دوره‌ای
دوره‌ی مدنی	دوران مکی			
طبقه‌ی چهارم	طبقه‌ی سوم	طبقه‌ی دوم	طبقه‌ی اول	
سیر حوادث پس از هجرت	بیان جزئیات قصص انبیاء و کیفرهای اخروی	توحید و معاد	_____	گوستاو وایل
تشریح احکام کیفری، قوانین ازدواج، طلاق، ارث و جهاد	آموزنده و اصلاحگر	تفصیل قصص انبیاء	رستاخیز، برخورد پیامبر ﷺ با مشرکان و تهمت کهنات، شاعری و جنون بر پیامبر ﷺ	نولدکه
موضوعات مربوط به جنگ و قوانین جامعه	موضوعات متنوع و قریب به مرحله‌ی مدنی	مسائل گوناگون	وحدانیت و رستاخیز	بلاشر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از نظر ایشان مضامین تاریخ‌دار مضامینی‌اند که به طور صریح یا غیر صریح به دوره‌ی نزول سوره اشاره داشته باشند. بدین معنا که یا به صورت صریح در آیات قرآن از آن نام برده شده باشد، همانند شکست روم و جنگ بدر که در آیات سوره‌ی الروم و سوره‌ی آل عمران از آن‌ها نام برده شده است و یا به طور غیر صریح به اوصاف واقعه‌ی تاریخ‌دار اشاره داشته باشد. ولی این اوصاف به‌گونه‌ای باشد که آن آیه صرفاً بر همان واقعه تطبیق یابد. نظیر جنگ تبوک که در سوره‌ی التوبه اوصافی از آن ذکر شده است. (همان، ص ۱۰۶)

مثال دیگر، سوره الحجر از معدود سوره‌های تاریخ‌دار مکی است؛ چون در آن، آیه «فَاَصْدَعُ بِمَا تُؤْمَرُ» (الحجر، ۹۴) آمده که اشاره قوی به زمان شروع دعوت علنی رسول خدا ﷺ دارد. در روایتی آمده است که دعوت علنی آن حضرت پس از سه سال دعوت سری بوده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۱۷۷/سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۰۱)؛ بنابراین سوره‌ی الحجر در آغاز سال چهارم بعثت نازل شده است. حال با توجه به این تاریخ می‌توان زمان نزول سوره‌های قبل یا بعد از آن را که فاقد تصریحات یا اشارات قوی به رخداد‌های زمان‌مندند، تخمین زد؛ مثلاً اظهار داشت سوره‌های یونس، هود و یوسف که بلافاصله قبل از سوره‌ی الحجرات قرار دارند، در حدود سال سوم بعثت نازل شده‌اند یا سوره‌های الأنعام، الصافات و لقمان که بلافاصله بعد از آن قرار گرفته‌اند، در حدود سال چهارم بعثت نزول یافته‌اند.

از سایر موضوعات معتبر در تاریخ‌گذاری می‌توان به هجرت (مربوط به سال‌های پنجم بعثت تا هشتم هجرت) و قتال (پس از هجرت) اشاره نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

شاخص مضامین از جمله شاخص‌های سبک‌شناسی در تاریخ‌گذاری است که غربیان از جمله بلاشر و دانشمندان مسلمان به آن توجه داشته‌اند. با بررسی اقوال و ترتیب نزول‌های بلاشر و سایر خاورشناسان در این زمینه مشخص شد که این شاخص به صورت مطلق در تاریخ‌گذاری اعتبار نداشته و تنها مضامینی که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به وقایع زمان‌مند اشاره داشته باشند، در این امر کارگشا هستند. هم‌چنین مشخص شد اگر چه برخی از موضوعات در دوره ی مکی یا مدنی به صورت تغلیب مطرح می‌شده‌اند؛ همانند اصول اعتقادی در دوره‌ی مکی و مسائل پس از هجرت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- ابن حنبل، احمد، المسند، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
- ۲- اسکندرلو، محمد جواد، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
- ۳- بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه‌ی محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش.
- ۴- همو، درآمده‌ی بر قرآن، ترجمه‌ی اسد الله مبشری، تهران، ارغنون، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
- ۵- بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی زبان و شعر فارسی، به اهتمام کیومرث کیوان، تهران، مجید، ۱۳۷۷ش.
- ۶- رادمش، سید محمد، آشنایی با علوم قرآنی، تهران، علوم نوین / جامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش.
- ۷- رازی، عبد الله، تاریخ کامل ایران از تأسیس سلسله ماد تا انقراض قاجاریه، تهران، اقبال، چاپ بیست و یکم، زمستان ۱۳۸۶ش.
- ۸- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۹ش.
- ۹- سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۱، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
- ۱۰- همو، در المنشور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- ۱۱- شمیسا، سیروس، کلیات سبک‌شناسی، تهران، فردوس، چاپ پنجم، ۱۳۷۸ش.
- ۱۲- همو، سبک‌شناسی نثر، تهران، میترا، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ش.
- ۱۳- همو، سبک‌شناسی شعر، تهران، فردوس، چاپ ششم، ۱۳۷۹ش.
- ۱۴- صبحی، صالح، مباحث فی علوم القرآن، قم، منشورات الرضی، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ش.
- ۱۵- طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۳ش.
- ۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- ۱۷- عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، بیروت - لبنان، مرکز الاسلامی للدراسات، چاپ پنجم، ۱۴۲۸ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی